



Identify of Pathology Components of Knowledge Production in Islamic Azad University

Keyvan Kaveh¹, Taghi AghaHosseini^{2*}, MahboubeSadat Fadavi³

1. PhD Student in Educational Management, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran,
2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Isfahan, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Higher Education Management, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

❖ **Corresponding Author Email:** ghahoseini@gmail.com

Research Paper

Abstract

Receive: 2022/01/10
Accept: 2022/06/11
Published: 2023/05/15

Keywords:

Pathology, Knowledge Production, Higher Education System, Islamic Azad University.

Article Cite:

Kaveh K, AghaHosseini T, Fadavi M S. (2023). Identify of Pathology Components of Knowledge Production in Islamic Azad University, Iranian Society of Sociology of Education. 9(1): 79-90.

Purpose: Today, the importance of knowledge and its production is not hidden from anyone and universities are considered as the main axis of its production. Knowledge production, like all other productions, has challenges and disadvantages that need to be studied. Therefore, the main purpose of this study was to identify the components of pathology of knowledge production in Islamic Azad University.

Methodology: This study was applied in terms of purpose and qualitative in terms of implementation method. Participants in the study included academic experts of the Islamic Azad University of Isfahan in the academic year 2020-21. Based on the theoretical saturation method, 22 people were selected by purposive sampling

The research tool was semi-structured interviews. To validate the findings, two methods of content validity were used by 4 experts outside the research and 2 experts inside the research. Also, for reliability, the coding agreement method was used, which resulted in 0.86. For data analysis, open, axial and selective coding method was used using thematic analysis method with Maxqda18 software

Findings: Findings showed that 86 open codes, 9 central codes and three selected codes for knowledge production pathology were identified in Islamic Azad University; So that the selected codes include the harms of the university system (policy makers, stakeholders); There were structural damage (higher education curriculum, research structure, support structure, dependent structure) and economic, cultural and social damage (cultural, social, economic).

Conclusion: Based on the findings, it can be concluded that knowledge production in Islamic Azad University has challenges in three areas (Academic, structural and cultural injuries) that in order to improve the quantity and quality of knowledge production, the laws related to science and science should be reviewed as well as scientific promotion of professors and students.



<https://doi.org/10.22034/ijes.2021.541983.1184>



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23221445.1401.15.1.1.0>



Creative Commons: CC BY 4.0



انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ایران

شناسایی مؤلفه‌های آسیب‌شناسی تولید دانش در دانشگاه آزاد اسلامی

کیوان کاوه^۱، تقی آقاحسینی^{۲*}، محبوبه سادات فدوی^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، ایران.

۳. استادیار گروه مدیریت آموزش عالی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

✦ ایمیل نویسنده مسئول: aghahoseini@gmail.com

مقاله تحقیقاتی

چکیده

هدف: امروزه اهمیت دانش و تولید آن بر کسی پوشیده نیست و دانشگاه‌ها به‌عنوان محور اصلی تولید آن به شمار می‌روند. تولید دانش نیز مانند همه تولیدات دیگر دارای چالش‌ها و آسیب‌هایی است که نیازمند مطالعه است. بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر، شناسایی مؤلفه‌های آسیب‌شناسی تولید دانش در دانشگاه آزاد اسلامی بود.

روش‌شناسی: این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا، کیفی بود. مشارکت‌کنندگان در پژوهش شامل خبرگان دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۴۰۰ بودند که بر اساس روش اشباع نظری تعداد ۲۲ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار پژوهش مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته بود که برای اعتبار یافته‌ها از دو روش روایی محتوایی به وسیله ۴ خبره بیرون از پژوهش و ۲ نفر خبره داخل در پژوهش استفاده شد و برای پایایی نیز از روش توافق کدگذاری استفاده شد که حاصل آن ۰/۸۶ شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی به روش تحلیل مضمون در نرم‌افزار Maxqda18 استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد ۸۶ کد باز، ۹ کد محوری و سه کد انتخابی برای آسیب‌شناسی تولید دانش در دانشگاه آزاد اسلامی شناسایی شد؛ به طوری که کدهای انتخابی شامل آسیب‌های نظام دانشگاهی (خطامشی‌گذاران، دست‌اندرکاران)؛ آسیب‌های ساختاری (برنامه درسی آموزش عالی، ساختار پژوهشی، ساختار حمایتی، ساختار وابسته) و آسیب‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی) بودند.

بحث و نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت تولید دانش در دانشگاه آزاد اسلامی در سه حوزه (آسیب‌های دانشگاهی، ساختاری و فرهنگی) دارای چالش‌هایی است که برای ارتقای کمی و کیفی تولید دانش، باید بازنگری در قوانین مربوط دانش و علم و همچنین ارتقای علمی اساتید و دانشجویان صورت بگیرد.

دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰
پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱
انتشار: ۱۴۰۲/۰۲/۲۳

واژگان کلیدی:

آسیب‌شناسی، تولید دانش، نظام آموزش عالی، دانشگاه آزاد اسلامی.

استناد مقاله:

کاوه ک، آقاحسینی ت، فدوی م س. (۱۴۰۲). شناسایی مؤلفه‌های آسیب‌شناسی تولید دانش در دانشگاه آزاد اسلامی، انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ایران. ۹(۱): ۷۹-۹۰.



<https://doi.org/10.22034/ijes.2021.541983.1184>



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23221445.1401.15.1.1.0>



Creative Commons: CC BY 4.0

مقدمه

دانشگاه‌ها به عنوان محور اصلی تولید ایده‌ها و دانش در جوامع به شمار می‌روند. در دهه اخیر نقش دانشگاه‌ها به خاطر تغییرات و تحولات جوامع اهمیت یافته است و نظام آموزش عالی بیش از گذشته مورد توجه جوامع قرار گرفته است (Snellman, 2015). در واقع انتظار اولیه از دانشگاه‌ها این است که با تولید دانش بر مجموعه دانش موجود اضافه نمایند و در مرتبه بعدی تولید دانش راه‌گشای حل چالش‌های موجود باشد (Compagnucc & Spigarelli, 2020). دانش، دارای نامشهود و به عنوان ابزار رقابتی سازمان‌هایی به کار می‌رود که از آن به شیوه‌ای کارآمد استفاده می‌کنند و سازمان‌هایی که کار خود را بر اساس اصول مدیریت دانش انجام می‌دهند، کارایی بهتری، بهره‌وری بالاتر و کیفیت خدمات را نشان داده‌اند (Bolisani & etal, 2018). دیدگاه مبتنی بر دانش، ارزشمندترین منبع یک سازمان را دانش می‌داند و پیشنهاد می‌کند که نوآوری با دسترسی به دانش تحقق یابد (Bogres & etal, 2010).

تولید دانش، فرآیندی است که در آن ورودی شامل منابع انسانی و خروجی، دانش جدیدی است که دارای ویژگی پیچیده‌ای از دو ماهیت مشهود (انتشارات، حق اختراع، پایگاه‌های اطلاعاتی و غیره) و ماهیت نامشهود (دانش ضمنی، و فعالیت مشاوره‌ای) می‌باشد (Altbach, 2015). تولید دانش در دانشگاه میزانی است که اعضای هیات علمی در تلاش برای جستجوی مجدد، مانند توسعه و انجام مطالعات تحقیقاتی، انتشار مقاله در مجلات، نوشتن کتاب‌ها، ارائه نتایج پژوهش‌ها در کنفرانس‌ها و فعالیت‌های تحقیقاتی شامل جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها هستند (Iqbal & etal, 2011). همچنین تولید دانش ناظر بر مجموعه اقداماتی است که به ایجاد، تولید و انتشار حوزه دانش در یک قلمرو منجر می‌شود (Kallio & Houtbeckers, 2020). تولید دانش یک ابزار کلیدی برای نفوذ در عملکرد سازمانی است و مزیت‌های رقابتی را برای سازمان‌ها فراهم می‌کند تولید دانش را باید یک فرآیند ماریچی دانست که از سطح فردی شروع می‌شود و سپس از طریق گسترش جوامع نیز تعامل‌هایی ایجاد می‌کند (Delshab & etal, 2018). تولید دانش حاصل از انباشت، جذب و درونی سازی اطلاعات است و از دیدگاه مدیریت دانش، نمایش و درک دانش به عنوان تبدیل اطلاعات به مبنایی برای شفاف‌سازی اطلاعات موجود ارایه می‌شود. فرآیند مدیریت دانش به دو بخش عمده (پذیرش مدیریت دانش و توسعه مدیریت دانش) و پنج مرحله (تولید دانش، انتقال دانش، ذخیره دانش، تسهیم دانش، و کاربرد دانش) تقسیم می‌شود (Denzler, 2019). اخیراً رویکرد سازمان‌ها از تولید دانش موجود بهره می‌برند و یک محیط کنترل شده برای دانش جدید فراهم می‌کنند که نشان از اهمیت تولید دانش در سازمان است (Mackillop & etal, 2020). صاحب‌نظران برخی از مهم‌ترین مصادیق تولید دانش را شامل کتاب، مقاله، اختراع و اکتشاف ذکر کرده‌اند که پس از داوری به چاپ و ثبت می‌رسند. از طرفی لایه‌های تولید دانش شامل چند نوع هستند: لایه اول یکپارچه‌سازی دانش، یکی از اهداف این لایه جمع‌آوری دانش ناهمگون از جمله اطلاعات و مطالعه آکادمیک است، هدف دیگر، فراهم کردن منابع دانش برای تشکیل یک راه‌حل مساله برای انجام پاسخگویی می‌باشد. لایه دوم تطبیق دانش که هدف اصلی آن کسب دانش مناسب برای حل مساله موجود است (He & Jiang, 2019).

در فرایند تولید دانش نیز مانند سایر پدیده‌ها و فعالیت‌ها، چالش‌ها و آسیب‌هایی وجود دارد. آسیب‌شناسی فرایندی نظام‌مند از جمع‌آوری داده‌ها به منظور تعامل اثر بخش و سودمند در راستای حل مشکلات، چالش‌ها، فشارها و محدودیت‌های محیطی در سازمان است (Eskandari & etal, 2017). لذا، آسیب‌شناسی کارآمد و اثر بخش را می‌توان یکی از مهم‌ترین اقداماتی قلمداد نمود که سازمان‌های موفق برای ارتقای بهره‌وری خود انجام می‌دهند (Amani & etal, 2020). آسیب‌شناسی این امکان را به مدیران می‌دهد که همواره از مسائل و مشکلات جاری سازمان خود مطلع باشند و از حاد شدن آن جلوگیری نمایند. از این رو، پژوهشگران و صاحب‌نظران، الگوهایی برای آسیب‌شناسی معرفی کرده‌اند. به طور مثال، مدل سه شاخگی که در قالب سه دسته عوامل رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای تجزیه و تحلیل می‌شوند؛ عوامل رفتاری عبارتند از کلیه عوامل مربوط به نیروی انسانی مانند انگیزش، روحیه کار و رضایت شغلی، عوامل ساختاری دربرگیرنده مجموعه روابط منظم حاکم بر اجزای داخلی سازمان مانند قوانین و مقررات است و عوامل زمینه‌ای شامل محیط و شرایط بیرونی سازمان است (Zakeripour & etal, 2012). آسیب‌شناسی تولید دانش نیز به فرایندی اشاره دارد که از طریق آن دانش در یک زمینه پژوهش علمی پیشرفت می‌کند (Hallinger, 2011). یا ناظر بر این موضوع است که دانش نیز مانند سایر پدیده‌ها با چالش‌ها و آسیب‌هایی مواجه می‌شود که جهت هدایت آن به مسیر صحیح نیازمند مداخله است (Herzog & Leker, 2011). آسیب‌شناسی تولید دانش موجب می‌شود چالش‌ها و آسیب‌های خود روند تولید علم کشف و شناسایی شود. این امر غنای تولید دانش را در پی دارد. بنابراین امروزه جوامع و سازمان‌های علمی به این موضوع پی برده‌اند که همه تولیدات دارای آسیب‌هایی هستند که موضوع تولید دانش نیز مستثنا از این نیست (Kallio & Houtbeckers, 2020).

در مورد پیشینه موضوع مطالعات اندکی وجود دارد. عمده مطالعات بر تولید دانش در سازمان‌های صنعتی و به خصوص دانش مهندسی پرداخته‌اند و ایجاد دانش در دانشگاه‌ها به خصوص دانشگاه آزاد اسلامی خلا پژوهشی شکل داده است. (Rastegari & Salari (2021) در پژوهشی تحت عنوان آسیب‌شناسی برنامه کارورزی دانشگاه فرهنگیان بر اساس مدل تحلیلی سه شاخگی نتیجه گرفتند آسیب‌های رفتاری در اولویت اول آسیب‌ها قرار دارند. Kazemi Malek (2021) در پژوهشی تحت عنوان نقش دانشگاه در تولید دانش به منظور تحقق اقتصاد مقاومتی مبتنی بر اقتصاد دانش بنیان نتیجه

گرفتند ۸ مؤلفه نظام مدیریتی و نهادی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، منابع و امکانات کارآمد، نوآوری و کارآفرینی در علوم پزشکی، خطمشی‌ها و اثرات محیطی-اجتماعی، عوامل ساختاری، نیروی انسانی دانش بنیان، نظام‌های ثبت و بانک اطلاعاتی دانش بنیان از عناصر مهم تولید دانش هستند. Amani et al (2020) در پژوهشی تحت عنوان آسیب‌شناسی آیین‌نامه واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی جهت اصلاح تولیدات دانشی نتیجه گرفتند وضعیت کل آیین‌نامه و بعد اجرایی از دید پاسخگویان دارای وضعیت مطلوب است. همچنین وضعیت بعد محتوایی آیین‌نامه دارای وضعیت بسیار مطلوب می‌باشد. (Akbari & etal (2019) در پژوهشی تحت عنوان آسیب‌شناسی پژوهش و تحلیل موانع پژوهشی از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها نتیجه گرفتند بیشترین موانع موجود متأثر از ابعاد حرفه‌ای، حجم کاری، عدم ارتباط با مراکز آموزشی و پژوهشی خارج از کشور هستند. رفع موانع پژوهش در دانشگاه بیش از هر چیز متأثر از مسائل حرفه‌ای و توجه به ارتباطات نزدیک علمی، استفاده از فرصت‌های مطالعاتی و کاستن از حجم کار آموزشی دانشگاهیان است. (Kiaie Taleghani & etal (2019) در پژوهشی نتیجه گرفتند مشکلات ساختاری موجود، مأموریت‌گرا نبودن دانشگاه، ضعف ارتباط دانشگاه، صنعت و جامعه، مقاله‌گرایی، ضعف نظام ارزیابی، افت معیارهای جامعه علمی، نظام نادرست پذیرش دانشجو و جذب هیئت علمی و همچنین ضعف ساختار قانونی از جمله علل اصلی کژکارکردی‌های پژوهش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران است. Kafashan (2019) در پژوهشی با عنوان بررسی نقش ارتباط علمی در فرآیند تولید دانش در علوم انسانی نتیجه گرفتند تبادل دانش و بهره‌گیری از پژوهش‌های میان رشته‌ای که به نشر ایده‌ها و افکار در راستای حل مسایل و دشواری‌های موجود در جامعه منجر می‌شود، از نیازمندی‌های غیرقابل چشم‌پوشی جوامع انسانی است. (Shujahat & etal (2019) در پژوهشی نتیجه گرفتند فرآیندهای مدیریت دانش (تولید دانش، تسهیم دانش و کاربرد دانش) از عناصر مهم تولید دانش هستند.

از آنجا که تولید دانش از وظایف غیر قابل انکار بخش علمی و دانشگاهی یک جامعه محسوب می‌شود، باید بر نقش دانشگاه و اعضای هیأت علمی در تولید دانش در جامعه تأکید داشت. این در حالی است که تولید دانش در کشور دچار نوعی افت شده است، به خصوص از نظر کاربردی بودن تولید دانش نیز چندان رضایتی وجود ندارد (Boroumand, 2006). در دانشگاه آزاد اسلامی نیز نیاز به تولید دانش کاربردی بیش از پیش احساس می‌شود، این نیاز بیشتر به خاطر رشد فناوری و دسترسی آسان به اطلاعات در جامعه است، بدون افزایش کمی و کیفی تولید دانش نمی‌توان به تداوم بقای عزتمند در جهان علم محور کنونی امید داشت. از سویی دیگر، از نظر روش مطالعه نیز مطالعات کمی غالب بوده و پژوهش‌های کیفی کمتر مورد توجه بوده است. این در حالی است که موضوع شناسایی مؤلفه‌های آسیب‌شناسی تولید دانش امری پیچیده و نیازمند مطالعات میدانی است. نتایج پژوهش می‌تواند به رفع آسیب‌های تولید دانش در سطح کلان برای نظام آموزش عالی سودمند باشد و در سطح خرد برای دانشگاه آزاد اسلامی نیز مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، بر اساس مطالب ذکر شده هدف اصلی پژوهش حاضر، شناسایی مؤلفه‌های آسیب‌شناسی تولید دانش در دانشگاه آزاد اسلامی بود.

روش شناسایی

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا، کیفی بود. مشارکت کنندگان در پژوهش شامل خبرگان دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۴۰۰ بودند که بر اساس روش اشباع نظری تعداد ۲۲ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در نمونه‌گیری هدفمند خبرگانی انتخاب شدند که دارای حداقل معیارهای لازم باشند. معیارهای انتخاب آنان شامل داشتن تألیفات در حوزه آسیب‌شناسی موضوعات مرتبط، رتبه علمی حداقل استادیار و تمایل به شرکت در پژوهش بودند. معیار خروج نیز با توجه به اینکه پژوهش از نظر ماهیت غیر بالینی بود صرفاً شرکت در پژوهش و تکمیل اظهارات ایشان راجع موضوع بود.

شیوه اجرای پژوهش این گونه بود که ابتدا شناسایی خبرگان از طریق جستجو در آثار آنان از طریق گوگل و معرفی از سوی آگاهان اقدام شد. بعد از تعیین نمونه و تمایل قطعی خبرگان در پژوهش، هدف اصلی پژوهش برای آنان تشریح و سئوالات اولیه مصاحبه نیز برای آنان ارسال شد. برای رعایت ملاحظات اخلاقی نیز این اطمینان داده شد که نتایج صرفاً در راستای اجرای کاری پژوهشی است و استفاده دیگری ندارد و در ضمن در مصاحبه‌ها از اسامی مستعار و بدون ذکر نام دانشگاه مربوط انجام می‌شود. همچنین اجازه ضبط اظهارات آنان نیز در طول مصاحبه‌ها گرفته شد که با توجه به عدم موافقت خبرگان کار ضبط انجام نشد. با توجه به پراکندگی اساتید در دانشگاه‌های مختلف کشور، مصاحبه‌ها به شکل تلفنی انجام شدند. زمان مصاحبه‌ها نیز با توجه به نحوه توضیحات و تبیین‌های آنان حدود ۴۰ دقیقه بود.

ابزار پژوهش مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته بود. سعی شد سئوالات مصاحبه بدون محدودیت پرسیده شود و به گونه‌ای که مشارکت کننده بتواند آزادانه در مورد تمام زوایای موضوع نظر داده و عقاید تجربی و نظری خود را روایت کند. در جدول (۱) سوال‌های مصاحبه ارائه شد.

جدول ۱. سوالات مصاحبه: آسیب‌شناسی تولید دانش در دانشگاه آزاد اسلامی

ردیف	سوال
۱	دیدگاه شما راجع تولید دانش در نظام آموزش عالی و به خصوص دانشگاه آزاد اسلامی چیست؟
۲	شما به عنوان استاد، چه موانعی در راه تولید دانش در دانشگاه آزاد اسلامی می‌بینید؟
۳	مهمترین چالش‌های تولید دانش در دانشگاه کدام‌اند؟
۴	وضعیت آیین نامه‌ها و قوانین مرتبط با تولید دانش و کارهای علمی چگونه است؟
۵	چگونه می‌توان با تولید آثار علمی غیر واقعی و جعلی برخورد کرد؟
۶	نقش اساتید و کارکنان خود دانشگاه در تولید دانش چیست؟
۷	به نظر شما تمرکزگرایی و یا تمرکززایی چگونه باعث بهبود تولید دانش در دانشگاه آزاد اسلامی می‌شود؟
۸	آسیب‌های مهم تولید دانش در دانشگاه آزاد اسلامی کدام‌اند؟
۹	چه نوع آسیب‌هایی بیشتر آسیب‌زا هستند و به روند رشد جامعه علمی آسیب وارد می‌کنند؟
۱۰	به نظر شما فرایند ارتقای رتبه علمی اساتید در حال حاضر دارای چه اشکالاتی است؟
۱۱	رشد کمی مقالات در چه صورتی می‌تواند به رشد علمی جامعه کمک کند؟
۱۲	به نظر شما، راهکارهای مبارزه با آسیب‌های موجود در حوزه تولید دانش کدام‌اند؟
۱۳	ابزار دیدگاه‌ها و نکات دیگری که در ارتباط با موضوع به ذهنتان می‌آید لطفا بیان کنید.

برای اعتبار یافته‌ها ابتدا محقق مجدد فرایند کدگذاری را مورد واریسی قرار داد. همچنین از روایی محتوایی به وسیله ۴ خبره بیرون از پژوهش و ۲ نفر خبره داخل در پژوهش استفاده شد به این شکل که کل فرایند کدگذاری در اختیار آنان داده شد و از آنها خواسته شد که به نقادی آن بپردازند که در نهایت برخی نظرات آنان مورد اعمال قرار گرفتند. همچنین برای پایایی نیز از روش ضریب توافق کدگذاری استفاده شد که حاصل کدگذاری مجدد مصاحبه‌های ۱، ۷ و ۱۳ با کدگذار مجرب دیگری، ۰/۸۶ شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی به روش تحلیل مضمون و در نرم‌افزار Maxqda₁₈ استفاده شد.

یافته‌ها

فراوانی و درصد فراوانی (سن، جنسیت، مدرک تحصیلی و رزومه) مشارکت‌کنندگان در پژوهش در جدول (۲) ارائه شد.

جدول ۲. برخی از خصوصیات (سن، جنسیت، مدرک تحصیلی و رزومه) مشارکت‌کنندگان در پژوهش

متغیر	سن		جنسیت				مدرک تحصیلی			رزومه	
	۳۰-۴۰	۴۱-۵۰	مرد	زن	استاد	دانشیار	استادیار	مقاله	کتاب	طرح	
فراوانی	۷	۹	۱۸	۴	۴	۷	۱۱	۳۰	۶	۱۴	
درصد	۳۱/۸۱	۴۰/۹۲	۸۱/۸۱	۱۸/۱۹	۱۸/۱۹	۳۱/۳۸۱	۰/۵۰	۰/۶۰	۰/۱۲	۰/۲۸	

نتایج جدول ۱، نشان می‌دهد ۴۱ درصد مشارکت‌کنندگان بین سن ۴۱ تا ۵۰ سال قرار داشتند و از نظر جنسیت نیز ۸۱ درصد اساتید مرد بودند. همچنین، رتبه استادیاری بیشترین تعداد ۵۰ درصد و از نظر رزومه نیز مقالات چاپ شده دارای بیشترین ۶۰ درصد بود. در جدول ۳، نیز فرایند کدگذاری باز، محوری و انتخابی ارائه شد.

جدول ۳. فرایند کدگذاری باز، محوری و انتخابی آسیب‌شناسی تولید دانش

ردیف	جملات/عبارات	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
۱	نبود محافل علمی پژوهشی در رشته‌های علوم انسانی	فقدان کرسی‌های پژوهشی		
۲	جدی نگرفتن مقوله علم و آمیخته کردن علم و اندیشه با تجارب	عدم توجه به علم		
۳	احساس عدم نیاز به تحقیق و تولید علم در بین مدیران و مسئولین	فقدان احساس نیاز		
۴	عدم به کارگیری نتایج تحقیقات	کاربست نتایج		
۵	فقدان حرکتی هماهنگ با تولید علم در پشتیبانی تولید علمی	عدم هماهنگی نهادها		
۶	روشن نبودن ضرورت تحقیق در علوم انسانی	سرگردانی در علوم انسانی		

	تولید علم از طریق پژوهش بدون برنامه ریزی آموزشی	فقدان نظام علمی برنامه ریزی	۷
	ناکارآمدی نظام سنجش و پذیرش دانشجو	نظام ارزیابی	۸
	نگاه مقطعی به پژوهش و تبعات آن	نگاه کوتاه به علم	۹
خط مشی گذاران	رشد موازی دانشگاه های دولتی و غیر دولتی و تولید مدرک به جای رشد دانش و تخصص	تمرکز بر مدرک گرایی دانشگاه ها	۱۰
	ضعف مکانیزم های کنترل کیفیت در تمامی فعالیت های دانشگاهی	ضعف کیفیت گرایی	۱۱
	عدم شفافیت در فرایند جذب اعضای هیأت علمی	ضعف استخدام	۱۲
	به اندازه هم ما در تولید علم نظریه پرداز نداریم.	فقدان نظریه پردازی	۱۳
	عدم وجود مجله های تولیدات نظری کافی	مجلات نظریه محور	۱۴
آسیب های مربوط به نظام دانشگاه	زمان بر بودن پذیرش و چاپ مقالات ISI	چالش چاپ مقالات	۱۵
	تشدید رشد کمی رشته ها در مراکز آموزش عالی	افزایش کمی گرایی	۱۶
	ضعف نیروی انسانی در انجام مطالعات آموزشی و پژوهشی	ضعف سرمایه انسانی	۱۷
	تأثیر عوامل اطلاع رسانی در تقویت انگیزه پژوهشی استادان	ضعف مشوق ها	۱۸
	عدم وجود ارتباط مؤثر و پویا بین دانشگاه های کشور و مجامع علمی بین المللی	ضعف ارتباط با بیرون	۱۹
	شکل گیری زمینه های تقلب و رانت برای چاپ مقالات	رانت علمی	۲۰
	عدم تسلط به زبان های خارجی برای مشارکت در مجامع علمی بین المللی	ضعف زبان جهانی	۲۱
	تلاشگر نبودن دانشجویان در دوره تحصیلات تکمیلی	کفایت تلاش	۲۲
	نبود انگیزه کافی در دانشجو برای بحث و گفتگوی کلاسی	فقدان انگیزه	۲۳
	ضعف تخصصی و حرفه ای بعضی از استادان	توسعه حرفه ای	۲۴
	تئوری بودن فعالیت ها و فرایندهای آموزشی و کلاسی	ضعف در ارائه	۲۵
دست اندرکاران	ارائه راهنمایی های نا مناسب به دانشجویان	ضعف در راهنمایی	۲۶
	عدم پیوند بین دانسته های پیشین و پتانسیل های فعلی	فقدان هماهنگی در یادگیری	۲۷
	اشتغالات بیش از حد استادان(تدریس یا مشاغل دیگر)	چند شغلی اساتید	۲۸
	نداشتن فرصت کافی برای انجام تولید دانش	عدم زمان برای تولید دانش	۲۹
	انکار روش شناسی نظریه ها	فقدان چارچوب روشی	۳۰
	نبود آموزش مناسب علوم برای درک درست آن در زندگی فردی و اجتماعی	عدم تناسب آموزش ها با زندگی	۳۱
	عدم نظارت فنی، علمی و تخصصی بر محتوای منابع درسی	ضعف نظام برنامه درسی	۳۲
	عدم توجه به مباحث میان رشته ای و دروس بین رشته ای در رشته های مختلف	بی توجهی به علوم میان رشته ای	۳۳
آسیب های مربوط به ساختار سازمانی	ترویج یک انتظار واحد در رشته های با ماهیت متفاوت	تمرکزگرایی علمی	۳۴
	رواج پژوهش بدون آموزش به جای آموزش دادن پژوهش	بی توجهی به پژوهش	۳۵
	سستی و قدیمی بودن سرفصل های آموزشی	به روز نبودن منابع	۳۶
	عدم امکان آزمایش و تجربه در دانشگاه ها	کمبود آزمایشگاه	۳۷
برنامه درسی آموزش عالی	ناکارآمدی نظام ارتقای اعضای هیأت علمی	ضعف در ارتقا	۳۸
	حمایت و توسعه ناکافی در حوزه علوم پایه و تحقیقات بنیادی	بی توجهی به علوم پایه	۳۹
	طولانی بودن زمان انجام پروژه های تحقیقاتی	زمان بری پژوهش	۴۰
	کپی کردن نظریه ها و مدل های علمی	رواج تقلب گرایی	۴۱
	بی توجهی به ضرورت ارتباط اهداف پژوهشی با زندگی خارج از محیط دانشگاه	فقدان محتوای مناسب	۴۲
	نگریستن به ارجاعات و مآخذ انتهای مقالات به جای توجه به ایده های نو در مقالات	منابع نگاری	۴۳
	بی ارتباط بودن محتوای دوره های تحصیلی با نیازها و مقتضیات بازار کار	فقدان ارتباط با بازار	۴۴
	انطباق ضعیف برنامه های آموزشی و درسی دانشگاهی با نیازهای بازار کار	برنامه درسی بازار محور	۴۵
	مشکل بودن جلب نظر توده مردم نسبت به اهمیت و اعتبار علوم انسانی در نظام آموزشی	ضعف برنامه درسی علوم انسانی	۴۶

	رفتار مناسب با پژوهش‌ها و نوعی بی‌روندی در نظام تحقیق	۴۷
	تخصصی نبودن محتوای دوره‌های تحصیلی	۴۸
ساختار پژوهشی	کم‌توجهی به فعالیت‌های پژوهشی از سوی عاملان اصلی نظام برنامه‌ریزی	۴۹
	ضعف در مهارت‌آموزی و کارآفرینی دانشجویان	۵۰
آسیب‌های مربوط به ساختار سازمانی	فقدان زاینده‌گی در کاربرد روش‌شناسی‌ها	۵۱
	پاسداری از روش‌شناسی به جای ارتقای محتوای فکری پژوهش‌ها	۵۲
	مشکل ساختاری در دانشگاه به دلیل نیروی انسانی ناکارآمد	۵۳
	عدم وجود برنامه‌ای خاص برای پرورش روحیه پرسشگری دانشجویان	۵۴
ساختار حمایتی	دشمن‌ورزی با دانش غیر بومی	۵۵
	سانسور کردن مطالب و تولیدات علمی	۵۶
	عدم همکاری نهادها و سازمان‌ها جهت عقد قرارداد طرح‌های پژوهشی	۵۷
	ضعف استقلال دانشگاه‌ها در تصمیمات مهم درون خود	۵۸
	نبود نگاه بلندمدت در نظام سیاستگذاری آموزش عالی	۵۹
	ارتباط ضعیف دانشگاه با جامعه و صنعت	۶۰
ساختار وابسته	پیروی از تصمیمات دور دست و مضر	۶۱
	سلیقه‌ای بودن تصمیم‌ها برای ارائه سرفصل‌ها	۶۲
	ضعف مدیریت پژوهش در کاربردی کردن پایان‌نامه‌های دانشجویی	۶۳
	غلبه برخی عقاید قالبی بر افکار و اندیشه پژوهشگران	۶۴
	بی‌اعتقادی به تولیدات داخلی (مزین کردن مقاله به مآخذ غیر ایرانی)	۶۵
	عدم توجه به عامل فرهنگ و نیازهای بومی (دشمن‌ورزی با دانش بومی)	۶۶
عوامل فرهنگی	وجود پاره‌ای از محدودیت‌های فرهنگی	۶۷
	ضعف استفاده از ابزارهای فرهنگی در جهت تولید فرهنگ	۶۸
	رقابت در تولید مدرک بجای رشد دانش و تخصص	۶۹
	ایجاد حساسیت‌های سیاسی، اجتماعی و انسانی در دانشجویان	۷۰
	وجود پاره‌ای از محدودیت‌های سیاسی	۷۱
	وجود پاره‌ای از محدودیت‌های قانونی	۷۲
	جهت‌سیاسی برخی از فعالیت‌های تحقیقاتی و عدم مصونیت محققان	۷۳
آسیب‌های مربوط به عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی	شیوع تدریجی نوعی هنجارشکنی علمی و بروز واکنش‌های خاص غیر اخلاقی	۷۴
	غلبه رابطه بجای ضابطه در فرایند تحقیق و بازار عرضه و تقاضای کالاهای پژوهشی	۷۵
عوامل اجتماعی	ابهام در ارزش‌گذاری فعالیت‌های علمی	۷۶
	نبود یقین و باور عمیق میان مدیریت‌های مختلف به اهمیت تحقیق و یافته‌های علمی و فناوری	۷۷
	ضعف در تعامل و تشریک مساعی در انجام فعالیت‌های پژوهشی	۷۸
	عدم برخورداری از شرایط معیشتی و مادی مناسب	۷۹
	تأمین و تخصیص ناکارآمد بودجه	۸۰
عوامل اقتصادی	استفاده دلالت‌آمیز از تولیدات دانشی و عدم بهره‌مندی مخترع	۸۱
	نبود مشوق‌های لازم برای تولید دانش	۸۲
	میزان کم سرمایه‌گذاری در امور علمی	۸۳

۸۴	عدم رغبت بخش خصوصی به سرمایه گذاری	سرمایه گذاری خصوصی
۸۵	تأثیر خصیصه مصرف گرایی در علم و فناوری	مصرف گرایی
۸۶	غلبه منش پول گرایی و محوریت منافع اقتصادی	منش درآمدی

یافته‌های جدول ۳، نشان می‌دهد ۸۶ کد باز، ۹ کد محوری و سه کد انتخابی شناسایی شد. کدهای انتخابی شامل آسیب‌های نظام دانشگاهی (خطمشی‌گذاران، دست‌اندرکاران)؛ آسیب‌های ساختاری (برنامه درسی آموزش عالی، ساختار پژوهشی، ساختار حمایتی، ساختار وابسته) و آسیب‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی) بودند. در شکل (۱) نمودار مؤلفه‌های اصلی آسیب‌شناسی تولید دانش در دانشگاه آزاد اسلامی ارائه شد.



شکل ۱. مؤلفه‌های آسیب‌شناسی تولید دانش در دانشگاه آزاد اسلامی

بحث و نتیجه گیری

یافته اول پژوهش، آسیب‌های مربوط به نظام دانشگاهی با دو زیر مقوله خط‌مشی‌گذاران و دست‌اندرکاران پژوهش بود. این یافته با نتایج برخی مطالعات مانند (Rastegari & Salari (2021)، Kazemi Malek Mahmoodi & etal (2021)، Amani & etal (2020) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت از مهم‌ترین موانع در راه تولید دانش می‌توان به رقابت دانشگاه‌ها در تولید مدرک بدون توجه به نیازهای جامعه و عرضه محوری به جای تقاضا محوری، مأموریت‌گرا نبودن دانشگاه‌ها، عدم توجه به رشد کیفی رشته‌ها در دانشگاه‌ها، و احساس عدم نیاز به تحقیق و تولید دانش در بین مدیران و مسئولین اشاره کرد. برای رفع این مشکلات ضروری است سیاست‌گذاران نظام دانشگاه آزاد مقوله علم را جدی گرفته و آن را با اندیشه و تجربه آمیخته کرده، چگونگی تولید دانش را در برنامه‌های درسی و سرفصل‌های دانشگاه بگنجانند تا دروس دانشگاهی از تئوری محض خارج شده و به سمت انجام پژوهش‌های

با کیفیت و قابل ارائه به جامعه علمی و صنعتی کشور پیش رود. ارتباط مؤثر و پویا بین دانشگاه‌های آزاد و مجامع علمی دنیا نیز می‌تواند به گرایش و ایجاد انگیزه در استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی به انجام پژوهش و تولید علم کمک کند. همچنین، در مورد آسیب‌های مربوط به دست‌اندرکاران پژوهش شایان ذکر است که استادان دانشگاه‌ها به دلیل اشتغالات بیش حد به تدریس یا مشاغل دیگر، فرصت کافی برای انجام پژوهش و تولید دانش ندارند. ضعف تخصصی و حرفه‌ای بعضی از استادان و غیر تخصصی بودن دروس ارائه شده به آنها موجب می‌گردد فعالیت‌ها و فرایندهای آموزشی و کلاسی بر تئوری استوار گردد و دانشجویان نیز انگیزه کافی برای بحث و گفتگوی کلاسی و تلاش جهت انجام پژوهش نداشته باشند. اصلاح نظام سنجش و پذیرش دانشجو و شفافیت در فرایند جذب هیأت علمی، فراهم نمودن زمینه یادگیری و تسلط بر زبان خارجی برای استادان و دانشجویان جهت مشارکت در مجامع علمی بین‌المللی می‌تواند به روند رشد تولید دانش یاری رساند.

یافته دیگر پژوهش، آسیب‌های ساختاری بود که در سه زیر مقوله برنامه درسی آموزش عالی، ساختار پژوهشی، ساختار حمایتی و ساختار وابسته قرار داشت. این یافته با مطالعات (Rastegari & Salari (2021)، Kazemi Malek Mahmoodi & etal (2021) همسو است. در این مورد می‌توان گفت برنامه درسی جهت دهنده و عنصر اصلی تولید دانش است. اگرچه برنامه درسی مطابق با رشته‌ها و موضوعات مختلف می‌تواند متفاوت باشد اما برنامه درسی دانشگاه آزاد باید مبتنی بر ترکیب دو عنصر نظریه‌سازی و عملیاتی کردن نظریه‌ها در جهت تولید و خلف دانش و کاربست آن در زندگی از نظر تولید باشد. مؤلفه دیگر ساختار پژوهشی بود. ساختار دانشگاه آزاد مانند سایر دانشگاه نیز نوعی محیط علمی با محوریت پژوهش است. اما خبرگان معتقد بودند ساختار و فعالیت‌های پژوهشی دارای نواقصی هستند که برای مثال تأکید بر تولید صرف مقالات و چاپ آنها به منظور ارتقای رتبه اساتید و همچنین دانشجویان جهت دفاع از رساله دارای آسیب‌های جدی است که منجر به ناکارآمدی تولیدات می‌گردد و از این نظر باید ساختار پژوهشی دچار بازبینی شود. مؤلفه دیگر، ساختار حمایتی بود. در این مورد باید گفت ساز و کارهای حمایتی و تشویقی در جهت تولیدات علمی چندان رضایت بخش نیست. خبرگان معتقد بودند باید از مخترع و خالق تولید به نحو شایسته تقدیر شود. نخست با حمایت‌های مالی و دوم با رفع موانع و چالش‌های پیش روی تولیدات آنها مورد توجه جدی برنامه‌ریزان قرار گیرد. مؤلفه دیگر آسیب‌های ساختار سازمانی، ساختار وابسته بود. ساختار وابسته ناظر بر نوعی استقلال برای دانشگاه از درون است. اگرچه دانشگاه آزاد اسلامی دولتی نیست و تصمیمات آن تا حدودی توسط هیأت امنای آن گرفته می‌شود اما خبرگان معتقد بودند در واقع تفاوت بنیادی بین دانشگاه آزاد اسلامی و دولتی نیست و گاهی تصمیمات سرنوشت ساز و مهم این دانشگاه از بیرون گرفته می‌شود و همین کارکرد دانشگاه آزاد اسلامی را تحت شعاع قرار داده است. در واقع این نوع ساختار وابسته به تصمیمات از بیرون بر نوع تولیدات دانشی اثرات نامطلوبی برجای می‌گذارد. لذا می‌توان نتیجه گرفت اگر ساختار سازمانی اصلاح گردد و متولیان امر پژوهش در همکاری نهادها و سازمان‌ها جهت عقد قرارداد طرح‌های پژوهشی حمایت لازم مبذول دارند، جامعه به ویژه مصرف‌کنندگان نتایج تحقیقات دانشگاهی را با پتانسیل‌های دانشگاه‌ها آشنا نمایند، و ارتباط پویا و تنگاتنگ بین مدیریت‌های پژوهش در دانشگاه‌ها و تصمیم‌گیران اجرایی به وجود آید نه تنها دانش بومی جایگاه خود را در بازار کار و صنایع باز خواهد یافت بلکه به جای کپی‌برداری از نظریه‌ها و مدل‌های علمی غربی مدل‌ها و نظریه‌های جدید متناسب با نیازهای کشور ارائه خواهد شد.

یافته دیگر، آسیب‌های مربوط به عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بود. این یافته با مطالعات (Kazemi Malek Mahmoodi & etal (2021) و Kiaie و Taleghani & etal (2019) تا حدودی نزدیک است. در تبیین این یافته باید گفت برخی از محدودیت‌های فرهنگی نظیر برند و صیانت از برند مواردی است که گاهی می‌تواند به چالش‌هایی برای تولید کننده دانش بینجامد. از سویی، قوانین بروکراسی اداری و حتی محدودیت‌های فرهنگی راه را بر تولید دانش و استفاده آن محدود کنند. در زمینه عوامل اجتماعی پاره‌ای از حساسیت‌های سیاسی، قانونی، اجتماعی، و انسانی باعث می‌شود در انجام پژوهش‌ها معمولاً پنهان کاری، رعایت ملاحظات سیاسی و اقتصادی و نهایتاً عدم مصونیت محققان بروز نماید. چنانچه محدودیت‌های فوق برطرف گردد و یقین و باور عمیق میان مدیریت‌های مختلف نسبت به اهمیت تحقیق و یافته‌های علمی پدید آید، پژوهش‌ها ضابطه‌مند شده و گسست بین تاریخ علمی ملی دینی و توانمندی‌های فعلی پژوهشگران از بین خواهد رفت. تأمین بودجه کافی و سرمایه گذاری در امور علمی، برخورداری پژوهشگران از شرایط معیشتی و مادی مناسب، تخصیص امکانات مورد نیاز برای انجام پژوهش به دانشگاه‌ها و برقراری مشوق‌های لازم برای تولید دانش می‌تواند در ایجاد رغبت و انگیزه انجام کارهای پژوهشی در محققان مؤثر باشد. بنابراین از جهات مختلف ساختاری و اداری، آموزشی و پژوهشی، فنی و تخصصی، چالش‌های متعددی در سر راه تولید دانش در دانشگاه‌ها وجود دارد. به همین دلیل، در راستای بهبود وضعیت موجود و رفع تنگناهای نظام دانشگاه آزاد، ایجاد تغییرات اساسی در بسیاری از رویکردهای اداری، اجرایی، آموزشی و پژوهشی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. از این رو، همگام با انجام پاره‌ای از اصلاحات مؤثر در سطح دانشگاه‌ها، بسیار ضروری است که در سطح کلان مدیریت و سیاست گذاری نظام دانشگاه آزاد تبیین دقیق جایگاه و نقش و مأموریت‌های این دانشگاه در توسعه جامعه، ارتقای هدفمند نظام مذکور در پاسخگویی به نیازها، آسیب‌شناسی شود و بررسی چالش‌ها و فرصت‌ها، مطالعه و تبیین ضعف‌ها و قوت‌های نظام دانشگاه آزاد مهندسی مجدد گردد و نظام پذیرش دانشجو و برنامه‌ریزی درسی و تحلیل نقش دانشگاه‌ها در تولید دانش به دقت انجام گردد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به تعمیم‌پذیری یافته اشاره کرد. زیرا نتایج مبتنی بر داده‌های کیفی بود و محدود به نظرات برخی از اساتید دانشگاه آزاد اسلامی و لذا باید دیدگاه‌های بیشتری مورد مطالعه قرار گیرد. محدودیت دیگر، با توجه به تنوع رشته‌ها و موضوعات رشته‌ها عمدتاً دیدگاه‌های اساتید علوم انسانی مورد مطالعه قرار گرفت و دیدگاه سایر اساتید نیازمند مطالعه است. همچنین، با توجه به شیوع همه‌گیری ویروس کرونا مصاحبه‌ها به صورت تلفنی صورت گرفت که همین ممکن است به پاسخ‌های سطحی منجر شده باشد. بر اساس یافته‌ها پیشنهاد می‌شود محققان در آینده آسیب‌شناسی تولیدات دانش در دانشگاه آزاد اسلامی را بر اساس نوع رشته‌ها (انسانی، فنی و کشاورزی و غیره) انجام دهند. همچنین، از دیدگاه‌های تمام اساتید صاحب نظر استفاده شود و مطالعات به صورت تلفیقی انجام شود.

پیشنهاد می‌شود برای رفع آسیب‌های مربوط به نظام دانشگاهی خط‌مشی‌های علمی از جمله آیین‌نامه‌ها و قوانین تولید دانش مورد بازبینی قرار گیرند و اشکالات و آسیب‌های شناسایی شده این پژوهش در کنار نتایج سایر پژوهش‌های مرتبط مورد توجه قرار گیرد. با توجه به شناسایی آسیب‌های مربوط به عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پیشنهاد می‌شود روحیه مشارکت تولید دانش از جمله در مقالات و کتب بین اساتید ترویج شود و آیین‌نامه‌ها به گونه‌ای تنظیم شوند که حاصل کارهای تیمی از اولویت بیشتری برخوردار شود. پیشنهاد می‌شود نظام اجرایی و شفاف حمایت‌های مادی از تولید کنندگان دانش راه‌اندازی و به شکل عملیاتی به مستحقان امتیازات مالی داده شود. ۵- برای کاهش دستگاه‌های موازی پژوهش، پیشنهاد می‌شود سازمان تحقیق و توسعه در هر دانشگاه راه‌اندازی شود و تمام فرایند تولید دانش زیر نظر این سازمان جهت انجام شفاف و پرهیز از آسیب‌های کپی و تقلب تولیدات شکل بگیرد.

تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر بدون حمایت‌های مالی سازمان خاصی انجام شده است و بین نویسندگان تعارض منافع وجود ندارد. از تمام اساتید دانشگاه آزاد که صمیمانه در مصاحبه‌ها شرکت کردند قدردانی می‌شود. همچنین از اساتید راهنما و مشاور که توصیه‌های خود را در راستای غنای مطالب نمودند کمال تشکر می‌شود.



References

- Amani M, Nave Ebrahim A, Zeinabadi H, Abdollahi B. (2020). Pathology of the regulations for delegation of the curriculum authority to universities and higher education institutions. *Journal of Research in Educational Science*, 14(49): 7-23. (In Persian)
- Altbach P. G. (2015). What counts for academic productivity in research universities? *International Higher Education*, (79): 6-7.
- Boroumand N. (2006). Atmosphere of participatory management pathology. *Tadbir Monthly*, 115: 32-56. (In Persian)
- Albassam B. A. (2019). Building an effective knowledge management system in Saudi arabia using the principles of good governance, *Resources Policy*, 64: 112-123.
- Bogers M, Afuah A, Bastian B. (2010). Users as innovators: A review, critique, and future research directions, *Journal of Management*, 36(4): 857-875.
- Compagnucci L, Spigarelli F. (2020). The Third mission of the university: A systematic literature review on potentials and constraints. *Technological Forecasting and Social Change*, 161: 120284.
- Delshab V, Sadeghi Boroujerdi S. (2018). Investigating the influence of unlearning on knowledge management in sport organizations. *Kybernetes*, 47(10): 2025–2040.
- Eskandari H, Shishegar A, Ghasemi H. R. (2015). Human resource pathology with a three-pronged model in the general directorate of southern railways. *third world conference on management, economics, accounting and humanities on the eve of the third millennium*, 1-23. (In Persian)
- Kafashan Kakhki M, Khalili M. (2019). The Role of scientific communication in the process of knowledge production in humanities. *Library and Information Science Research*, 9(1): 107-123. (In Persian)
- Kiaie Taleghani N, Zeinabadi H R, Arasteh H R, Abbassian H. (2019). Reflection on the Effective Causes of Research Malfunctions in Iranian Universities and Higher Education Institutions, *Iranian Journal of Higher Education* 11(1):39-66. (In Persian)
- Kallio G, Houtbeckers E. (2020). Academic knowledge production: framework of practical activity in the context of transformative food studies. *Frontiers in Sustainable Food Systems*, 4(18): 1-12.
- Kazemi MalekMahmoodi S, NiazAzari K, Jabbari N. (2021). The role of the university in knowledge production in order to realize a resistance economy based on knowledge-based economy. *new applied studies in management, Economics & Accounting*, 4(13): 97-106. (In Persian)
- Hallinger P. (2011). Developing a knowledge base for educational leadership and management in east asia. *School Leadership & Management*, 31(4): 305-320.
- Herzog P, Leker J. (2011). *Open and closed innovation: different cultures for different strategies* springer.
- Iqbal M. Z, Mahmood A. (2011). Factors related to low research productivity at higher education level, *Asian Social Science*, 7(2): 188-198.
- Li M, Kankanhalli A, Kim S.H. (2016). Which ideas are more likely to be implemented in online user innovation communities? An empirical analysis”, *Decision Support Systems*, 84: 28-40.
- Malekpour k, Delavar A, Ghiasi Nodoshan S. (2017). Pathology of the relationship between industry and academia in the field of the humanities. *Research on Educational Leadership and Management*, 3(11): 51-74. (In Persian)
- MacKillop E, Quarmby S, Downe J. (2020). Does knowledge brokering facilitate evidence-based policy? a review of existing knowledge and an agenda for future research. *Policy & Politics*, 48(2): 335-353.
- Rastegari N, Salari P. (2021). Pathology of farhangian university internship program based on trigonometric analytical model "3c". *Educational and Scholastic Studies*, 10(3): 245-265.

- Rahimi H, Siadat A, Hoveida R, et al. (2015). The analysis of organizational diagnosis based on six box model and its relationship with organizational health and quality of work environment in Isfahan public universities. *Journal of Research and Planning in Higher Education*, 16 (4): 19-39. (In Persian)
- Shujahat M, Sousa M. J, Hussain S, et al. (2019). Translating the impact of knowledge management processes into knowledge-based innovation: the neglected and mediating role of knowledge-worker productivity. *Journal of Business Research*, 94, 442-450.
- Snellman C. L. (2015). University in knowledge society: role and challenges. *Journal of System and Management Sciences*, 5(4): 84-113.
- Yan T, Azadegan A. (2017). Comparing inter-organizational new product development strategies: Buy or ally; Supply-chain or non-supply-chain partners?. *International Journal of Production Economics*, 183: 21-38.
- Zakeripour G, Rezagholi F, Ahmadabadi M. (2012). Pathology of human resources and development improvement, *Quarterly Journal of Management Development and Human Resources and Support*, 6 (22): 20-34. (In Persian)

